

Predigt zum Sonntag „Sexagesimä“, 4.2.2024, Erlöserkirche Düsseldorf (SELK), Pfr. Gerhard Triebe

Markus 4,26-29:

حال، داستان دیگری تعریف میکنم تا بدانید ملکوت خدا چگونه است: کشاورزی در مزرعه‌اش تخم «26 پاشید و رفت. 27 روزها گذشت و کمکم تخم سبز شد و رشد کرد بدون آنکه کشاورز بداند چگونه این امر اتفاق افتاد. 28 زیرا زمین بدون کمک کسی، خودش تخم را به ثمر می‌آورد. یعنی اول ساقه بالا می‌آید، بعد خوشه درست میشود، و بعد از آن دانه کامل در خوشه ایجاد میشود. 29 و وقتی ثمر رسید، کشاورز داس «را بر میدارد تا محصول را درو کند

جامعه عزیز، اگر کسی از شما بپرسد: موضوع پیام عیسی چیست؟ - چه جوابی می‌دهید؟ - اگر بخواهم در این مورد در منطقه عابر پیاده نظرسنجی کنم، احتمالاً برخی پاسخ خواهند داد: عیسی درباره تأیید افراد بود دیگران ممکن است بگویند او قهرمان تساهل و تنوع و حمایت از اقلیت‌ها بود. و رهگذری که کتاب مقدس را می‌داند با نقل قولی از انجیل مرقس پاسخ می‌دهد، که در آن خود عیسی موضوع پیام خود را در آغاز خدمتش خلاصه می‌کند. سپس می‌فرماید: «زمان تمام شد و ملکوت خدا نزدیک است. توبه کنید و به انجیل ایمان بیاورید!» خوب، خوب، اما این در آلمانی به چه معناست؟ اگر بخواهم این را در زمان و دنیای ما به کار ببرم، اینطور می‌گویم: «ساعت خدا فرا رسیده است! بنابراین اکنون وقت آن است که به او روی آوریم «و به مژده عشق خدا اعتماد کنیم

همین اعتماد نیز همان چیزی است که مثل در اینجا درباره آن است. عیسی می‌خواهد ما را تشویق کند و از ما اعتماد و شکیبایی بخواهد. زیرا چقدر کمتر از عشق خدا در دنیای ما، در کلیسا و در زندگی ما دیده می‌شود و مورد توجه قرار می‌گیرد. دلسرد شدن و استعفا دادن منطقی است. یا کم حوصله می‌شویم و به اکشن‌گرایی می‌افتیم. همانطور که عیسی در این مثل روشن می‌کند، هر دو مسیرهای اشتباهی هستند زیرا پادشاهی خدا قبلاً کاشته شده و قطعاً خواهد آمد! آمدن او (1). دیده نشود، (2). ساخته نشود و (3). متوقف نشود

I.

- آمدن ملکوت خدا را نمی‌توان دید. اساساً این یک واقعیت است. نه تنها این - همانطور که همه می‌دانند (!) تعداد افرادی که کلیسا را ترک می‌کنند در کشور ما مدام در حال افزایش است و اکنون از نظر آماری کمتر از 50 درصد متعلق به کلیسا هستند. حتی با اتفاقاتی که در دنیا می‌گذرد، به سختی می‌توان گفت که حکومت خدا در اینجا خودش را نشان می‌دهد. و بنابراین من مدام جملاتی مانند این را می‌شنوم: "کلیسای"! مسیحی 2000 سال است که وجود دارد، اما هیچ چیز در جهان تغییر نکرده است

اینجاست که عیسی می‌خواهد به ما کمک کند. او با تمثیل خود تصویری از حکومت خدا به ما ارائه می‌دهد. مثل مردی است که دانه‌ها را روی زمین می‌اندازد. برای مدتی در مزرعه چیزی برای دیدن نیست حداکثر چند دانه پوسیده غلات. اما دانه‌ها جوانه می‌زنند. ساقه‌های ظریف ظاهر می‌شوند. خوشه‌ها گندم فرو می‌رود و به زودی دانه‌هایی در آن می‌رویند

کشاورز به هیچ‌کدام از اینها اهمیت نمی‌دهد. می‌خوابد و بلند می‌شود، کارهایش را انجام می‌دهد و کارهای دیگرش را انجام می‌دهد. او در خواب نمی‌دید که هر روز صبح بعد از صبحانه به مزرعه برود تا ببیند آیا بذرهایش در حال رشد هستند یا خیر. الان نمیتونه کاری بکنه و حتی اگر امروزه هر کشاورز مدرنی می‌تواند خاک را بهبود بخشد، اگر بتواند آن را کود دهد و آبیاری کند، هنوز یک کار وجود دارد که "او نمی‌تواند انجام دهد: جوانه زدن بذرها و "رشد کردن آنها". این در این عبارت غیرممکن "تو را رشد بده روشن می‌شود. عیسی می‌گوید: «زمین از خود میوه می‌دهد. خداوند رفاه می‌دهد. کشاورز می‌تواند به آن اعتماد کند. او می‌تواند با اطمینان به خانه برود، کارش را انجام دهد و مطمئن باشد که خدا کنترل دارد و محصول خواهد آمد

در مورد این اعتماد است. البته این درست است که آمدن ملکوت خدا را نمی توان دید. با این وجود، ما نیازی به امید در تاریکی نداریم. بذر کاشته شده است. کلام خدا برای 2000 سال و اکنون دوباره اعلام شده است. و اینجا و آنجا می توانید چیزی سبز ببینید. افرادی که با عیسی همراه شدند از نظر جسمی سالم شدند - و نه فقط 2000 سال پیش. افراد ناامید شهادت جدیدی به دست آوردند - مهمتر از همه دوازده چهره ناامید که پس از جمعه خوب، با استعفا می خواستند به کارهای قبلی خود بازگردند و سپس زندگی خود را کاملاً در اختیار خدا بگذارند. این دوازده نفر به مسیحیت بیش از 2.5 میلیارد نفر تبدیل شده‌اند، افرادی که قطعاً بهتر از دیگران نیستند، اما می‌توانند زندگی و مرگ خود را با توکل به خدا مدیریت کنند، زیرا می‌دانند که این زندگی و این دنیا همه چیز آن چیزی نیست که ما می‌توانیم. حتی فراتر از امکانات ما و فراتر از محدودیت های زندگی مان امیدوار باشیم که این خدا نمی خواهد با ما تسویه حساب کند، بلکه در همه چیز با ما خوب است.

اما قوی ترین ساقه امید ما در یکشنبه عید پاک جوانه زد. عیسی با رستاخیز خود نشان داد که قانون گناه و مرگ حرف آخر را نمی‌زند. پس او خود دانه گندمی شد که در زمین می افتد و می میرد، اما به همان اندازه میوه می دهد. اگرچه مردم بارها و بارها مانند مردمش سعی کردند او را ساکت کنند، بذر او هنوز تا این ساعت کاشته می شود.

و کلیسا وجود دارد - با وجود همه انحرافات و اشتباهات. به احتمال زیاد هیچ سازمان دیگری تاکنون از این وضعیت جان سالم به در نبرده است.

و بالاخره خود شما: دوباره اینجا نشستهاید و به او گوش می‌دهید و به دنبال جامعه‌اش می‌گردید - اگرچه در این بین ممکن است فاصله درونی یا بیرونی زیادی از ایمان و کلیسا داشته باشید، اگرچه ممکن است اکنون نیز شک دارید. در درون شما که همه در ذهن شما هستند می خواهد شادی و اطمینان را بدزدد. و با این حال شما اینجا می نشینید - زیرا خدا شما را نزدیک نگه داشته است، زیرا او نسبت به شما بی تفاوت نیست زیرا او مدام شما را تعقیب می کند و می خواهد که دانه در شما جوانه بزند و میوه بدهد. و ما هم می ، توانیم این امید را برای فرزندان و نوه هایمان داشته باشیم.

اغلب ما از آن راضی نیستیم. ما ترجیح می دهیم تغییرات بزرگ و غیرقابل انکار را در خود و در جهان ببینیم. ما روی بدبختی ها و معیوب ها تمرکز می کنیم و روی آن تثبیت می کنیم. ما اغلب حتی به چیز دیگری توجه نمی کنیم. اساساً ما احساس می کنیم که در فصل بهار در میان مزارع قدم می‌زند و چیزی جز زمین کپک زده نمی بیند زیرا از کشاورزی چیزی نمی داند.

اما این دیدگاه ثمرات خود را نیز دارد: تثبیت کمبود باعث ترس می‌شود، ترس باعث فشار می‌شود و این فشار می‌تواند ما را به سمت کنش‌گرایی سوق دهد تا جایی که منجر به زخم معده، سکنه قلبی و روابط ویران شود. البته شما هم می توانید در این مسیر موفق باشید، اما نتیجه نهایی معمولاً نه توکل شکرگزار به خدا، بلکه غرور متکبرانه به دستاوردهای خودتان است. راه دیگر برای پاسخ به فشار ناشی از ترس، فلج است. در پایان شکست و ناامیدی وجود دارد. این به همان اندازه نامطلوب است که هر چیز دیگری که از چنین تمرکز بر کمبود ناشی می شود.

عیسی با مثل خود می خواهد به ما کمک کند تا جهت گیری به سوی وعده داشته باشیم. ما نباید به کمبود خیره شویم، بلکه باید به آنچه به ما وعده داده شده است خیره شویم. وقتی یک کشاورز در فصل بهار در مزرعه قدم می‌زند، فقط زمین کپک زده را نمی بیند. او چیزهای خود را می‌داند، می‌داند چه چیزی کاشته شده است و در نهایت چه چیزی از آن بیرون خواهد آمد - حتی اگر نتواند به تفصیل توضیح دهد که همه چیز چگونه اتفاق می‌افتد. "دانه جوانه می‌زند و رشد می‌کند - نمی داند چگونه. زمین از خودش میوه می دهد.»

یک تسلی بزرگ! ممکن است ما متوجه رشد ملکوت خدا در اطراف خود و درون خود نشویم یا حتی نفهمیم که چگونه قرار است کار کند. مهم این نیست که ما چه می بینیم. مهم این است که بذرها کاشته شده اند. و چون چنین است، ما نیازی به ناامیدی نداریم وقتی می توانیم اینقدر کم درک کنیم، بلکه مانند کشاورز، می توانیم اعتماد کنیم که خرمن در راه است، که بذر خدا جوانه می زند و میوه می دهد. و به همین دلیل است که ما نیازی به فلج شدن نداریم و مانند خرگوش به مار خیره می شویم، و همچنین نیازی نداریم که در کنشگری بیفتیم که انگار همه چیز به ما بستگی دارد

II.

زیرا - و این ما را به نکته دوم می رساند - ظهور ملکوت خدا نه تنها دیده نمی شود، بلکه محقق نمی شود عیسی در اینجا از کلمه ای استفاده می کند که وقتی در مورد طبیعت به کار می رود، به راحتی نادیده گرفته می شود زیرا برای ما کاملاً بدیهی به نظر می رسد. اما عیسی در اینجا این کلمه را در رابطه با پادشاهی خدا، با حکومت خود به کار می برد. این به راحتی می تواند به یک تحریک بزرگ تبدیل شود. این کلمه است که ما معمولاً آن را "خودکار" ترجمه می کنیم. عیسی می گوید: «زمین به "automátä" یونانی «خودی خود میوه می دهد

وقتی به کار کشاورز نگاه می کنیم، این برای ما کاملاً واضح است. اما اگر این را به وقوع اراده خدا، به آمدن پادشاهی او منتقل کنیم، طوفانی از خشم برمی خیزد - حتی در میان لوتریان سرسخت! برخی از اعضای فعال کلیسا می گویند، اگر مردم به کلیسا نمی آیند یا از تعهدات مالی خود در قبال جماعت غفلت می کنند، باید به آنها کمک کنید. اگر قرار است جامعه رشد کند و گسترش یابد، باید مفاهیم و روش ها توسعه و به درستی اجرا شوند

وقتی صحبت از شناخت اراده خدا می شود، معمولاً ما آنقدرها هم اشتباه نمی کنیم، جامعه عزیز. البته به نفع اوست که هر مسیحی در روزهای یکشنبه به دنبال خدای خود باشد و ارتباط خود را حفظ کند و در حد توان خود به وظایف جامعه کمک مالی کند. و البته ایمان، امید و عشق نیز باید در بین ما رشد کند

اگر از فعالیت های خودمان، از اقناع خود، از تلاش انسانی انتظار تحقق اراده او را داشته باشیم، اشتباه می کنیم. عیسی با مثل بذری که خود رشد می کند به ما می گوید: هیچ انسانی نمی تواند کاری انجام دهد که ملکوت خدا در میان ما رشد کند. تحقق حکومت خدا در میان ما کار خود خدا و تنها اوست

و این فقط اعضای کلیسا "نامرئی" نیستند که به صبر ما نیاز دارند که از این امر زندگی می کنند. این همان چیزی است که هر یک از ما از آن زندگی می کنیم. وقتی به ایمانم نگاه می کنم، گاهی چقدر افسرده و دلسرد می شوم. می خواستم خیلی فشرده تر و مداوم تر دعا کنم. من دیگران را ناامید کرده ام و نتوانسته ام نمونه ایمان باشم. یک نفر به عشق و درک من نیاز داشت، اما من با خودم مشغول بودم. و سپس سعی کردم منظم تر باشم، زمان های ثابتی را برای دعا و خواندن کتاب مقدس تعیین کردم و حتی بیشتر تلاش کردم تا اعمالم را تحت کنترل درآورم و در زندگی روزمره خود را مسیحی نشان دهم، اما به هیچ وجه مؤثر نبود. من در آستانه ناامیدی بودم

وقتی با یکی از دوستانم در این مورد صحبت کردم، او داستانی از دوران مدرسه اش برایم تعریف کرد که خیلی به من کمک کرد. معلم هم مثل بقیه در کلاس یک نخود به او داده بود. همه آنها باید آنها را در خانه بکارند و آبیاری کنند. چند هفته بعد قرار شد گیاهان را به مدرسه برگردانند تا بتوان آنها را با یکدیگر مقایسه کرد. دوستم با نخودش به خانه رفت، آن را کاشت، آبیاری کرد و یک صندلی زیبا و آفتابگیر به او داد. او به بهترین شکل ممکن از گلدان مراقبت کرد و مشتاقانه منتظر بود ببیند چه زمانی چیزی از زمین بیرون می آید. بالاخره وقتش رسید اولین رنگ سبز ظاهر شد. اما برای او خیلی آهسته رشد کرد - با وجود آبیاری منظم و کود دهی. بالاخره آنقدر بی حوصله شد که چوب را گرفت و کشید. اما به جای اینکه آن را - دراز کند، آن را کنده بود

این در مورد صبر است. این به خاطر تلاش و تمایل ما نیست که ما مسیحی هستیم. ما هستیم - چون خدا ما را چنین ساخته است! در غسل تعمید او ما را به عنوان فرزندان خود پذیرفت. و قبل از اینکه ما را نصیحت کند: «ابتداً ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید»، قبلاً ما را به عنوان وارثان این پادشاهی منصوب کرده و ابزار لازم را در اختیار ما قرار داده است تا بتوانیم این را در روح او پیاده کنیم. من بیش از همه به دعا فکر می‌کنم، در درجه اول به دعای خداوند. لوتر در کتاب تعالیم کوچک، درخواست دوم را توضیح می‌دهد: «پادشاهی تو بیاید»: «پادشاهی خدا به خودی خود بدون دعای ما پدید خواهد آمد. اما در این دعا، می‌خواهیم که به ما هم برسد. - چگونه این اتفاق می‌افتد؟ «اگر پدر آسمانی روح‌القدس خود را به ما بدهد.» تا با فیض او به کلام مقدس او ایمان بیاوریم و خداپسندانه زندگی کنیم، اینجا موقت و آنجا تا ابد

شما نمی‌توانید ملکوت خدا را «بسازید». اینجا با فشار و کنشگری چیزی به دست نمی‌آید. اما شما می‌توانید برای آن تلاش کنید، آن را بخواهید. این دیگر مربوط به عملکرد ما نیست، بلکه در مورد هدیه خداوند است. این اوست که همه چیز را در دست دارد و می‌خواهد به عاقبت بخیر منجر شود، نه ما. عیسی می‌گوید: «زمین از خود میوه می‌دهد. به همین دلیل است که می‌توانیم آرام، آرام و صبور باشیم. خداوند. آغاز، ماندن و رشد و تکمیل را نیز در زندگی ما می‌آفریند

III.

بیان سوم مثل می‌خواهد ما را در این اطمینان بیشتر تقویت کند: آمدن ملکوت خدا را نمی‌توان متوقف کرد. اما وقتی میوه رسید، فوراً داس را بیرون می‌فرستد. چرا که برداشت اینجاست. «مطمئناً تا آن زمان صبر» می‌طلبد. اما چه کسی هنوز شک دارد که برداشت محصول در حالی که دانه از قبل روی ساقه است، خواهد آمد؟ پس از جمعه و عید پاک، چه کسی شک خواهد کرد که خداوند قوم خود و همه مخلوقات خود را دوست دارد، که نمی‌خواهد آنها را رها کند، بلکه می‌خواهد دوباره آنها را به دست آورد؟ او باید به قول خود باز می‌گشت، بلکه باید فداکاری پسرش را نادیده می‌گرفت، اما این کار را نمی‌کند. برداشت در حال آمدن است.

آنچه در اینجا درباره آن صحبت می‌کنیم روز قیامت است، روزی که کل تاریخ ما به سوی آن سوق می‌یابد. در نهایت خداوند حاکم مطلق خواهد بود. او دنیایی را که خلق کرده به حال خودش و در نتیجه به قدرت‌هایی که ما، زندگی ما و کل خلقت را نابود می‌کنند، نمی‌گذارد. خداوند جهان خود را باز می‌یابد. زمان برداشت بزرگ در حال حاضر آغاز شده است و کامل خواهد شد.

خدا پیروز است: این فقط به این معنا نیست که او حقوق خود را ادا کند و یک بار برای همیشه به بی‌عدالتی در جهان پایان دهد. این بدان معناست که در عین حال و حتی بیشتر از آن، خداوند با عشق خود از غیبت، بیرون می‌آید و دنیای گمشده اش را دوباره به خود پیوند می‌دهد. چالش و شک، بی‌عدالتی و خشونت بیماری، رنج و مرگ سرانجام غلبه خواهند کرد. ما با خدا در خانه خواهیم بود، با او زیر یک سقف، و دیگر هیچ چیز و هیچکس نمی‌تواند ما را از او جدا کند.

مسیحیت اولیه آرزوی این روز را داشت، و هر زمان که مردم به طور محکم با عیسی پیوند داشتند، این ارتباط شامل انتظار برای روز "درو" مبارک نیز می‌شد. هر کس به این روز فکر کند فقط لرزه بر ستون فقراتش فرو می‌ریزد و هر کس در خفا آرزو می‌کند که خدا در روز آخرت بهترین عاقبت ممکن را داشته باشد، هنوز نفهمیده است که این چه نوع خدایی است که ظهور می‌کند. برداشت - که دیگر نیازی به محاسبه از عید پاک ندارد. بدهی‌ها پرداخت شده است. خدا آنقدر ما را گران خرید که رهایمان نمی‌کند. ما می‌توانیم به آن تکیه کنیم. و سپس می‌توانیم با صبر، اعتماد به نفس و شادی منتظر روز برداشت باشیم. خداوند ما را بی‌دریغ دوست دارد. بنابراین سلطنت او قطعاً فرا خواهد رسید - حتی اگر دیده نشود و نتوان انجام داد. آمین